

نقد مقاله «قرار اناطه و جایگاه آن در نظام قضائی ایران»

قرار اناطه شامل اموال منقول و غیرمنقول نیز می‌شود

◀ منصور دهنمکی*

ماده ۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری اصلاحی مصوب ۱۳۳۵ داشته است و حتی مفاد رای وحدت رویه هیات عمومی دیوان به شماره ۵۲۹ را نیز تحت‌الشعاع قرار داده است. بنابراین با توجه به مفاد ماده ۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ چنین می‌توان نتیجه گرفت که اولاً - برخلاف آنچه که نویسنده محترم عقیده دارد، به‌زعم اینجناب صدور قرار اناطه در حال حاضر می‌تواند شامل اختلاف در اموال منقول یا غیرمنقول شود چرا که قانون‌گذار صراحتاً در ماده ۱۳ اصلاحی به مالکیت اشاره‌ای نکرده است و موضوع حصری نبوده و کلیت دارد. ثانیاً - صدور قرار اناطه را منوط به نظر قضائی کرده است بدین شرح که هرگاه اتخاذ تصمیم قضائی منوط امری باشد که رسیدگی به آن در صلاحیت دادگاه دیگری یا مستلزم رعایت تشریفات دیگر آیین دادرسی باشد قرار اناطه صادر می‌شود. بنابراین قطعاً قانون‌گذار کار عبث نمی‌نماید و دقیقاً روح حاکم بر این قانون بر این امر استوار بوده است که مرجع رسیدگی‌کننده بتواند به درستی حقیقت را کشف و احقاق حق نماید و از تالی فاسد جلوگیری نماید. بالطبع نه تنها با تصویب ماده ۱۳، قرار اناطه از موجبات اطاله دادرسی نخواهد بود بلکه این امر خود نوعاً باعث جلوگیری از صدور آراء متناقض خواهد شد. ثالثاً - رای هیات عمومی دیوان عالی کشور به شماره ۵۲۹ - ۶۸/۸۲ نیز به شرح ماده ۱۳ قانون اخیرالذکر تغییر یافته است.

بنابراین در حال حاضر نمی‌توان با وجود نص صریح قانون و موخر بر رای وحدت رویه موصوف ادعا کرد که قرار اناطه صرفاً در خصوص اختلاف در اموال غیرمنقول مصداق داشته باشد. رابعاً - اجتهاد در مقابل نص صریح مسموع نمی‌باشد. خامساً - قانون آیین دادرسی کیفری از قوانین آمره محسوب می‌شود و از سوی دیگر در امور کیفری، تفسیر باید با توجه به روح حاکم بر قانون، مضیق و به نفع متهم باشد و چنانچه نظر نویسنده محترم را در خصوص محدود کردن قرار اناطه در اموال غیرمنقول پذیرا باشیم این عقیده نه تنها با اصول مسلم حقوقی در تعارض خواهد بود بلکه حقوق متهم نیز قطعاً تضییع خواهد شد مضافاً این که با طرح این موضوع که اگر حکم عام ماده ۱۳ را نپذیریم، ممکن است مرجع قضائی در صدور قرار اناطه به اشتباه بیفتد و موجبات اطاله دادرسی فراهم شود به نظر، این استدلال حقوقی با مبانی مذکور فاقد توجیه باشد.

لذا تأکید می‌شود با توجه به متن و مفهوم و منطوق صریح ماده ۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری، دامنه قرار اناطه، بستگی به نظر مرجع قضائی رسیدگی‌کننده محدود به اموال غیرمنقول و مرجع خاص نشده است و دامنه آن شامل اموال منقول و غیرمنقول و غیره نیز می‌شود.

لازم‌الاجرا و لازم‌الاتباع بود تا اینکه قانون‌گذار در سال ۱۳۷۸ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب را تصویب نمود و با تصویب آن قانون تا حدود زیادی ماده ۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری سابق به شرح ماده ۱۳ قانون جدید اصلاح گردید و صراحتاً در ماده ۱۳ بیان شده است که هرگاه ضمن رسیدگی مشخص شود اتخاذ تصمیم منوط است به امری که رسیدگی به آن در صلاحیت دادگاه دیگری است و یا ادامه رسیدگی به آن در همان دادگاه مستلزم رعایت تشریفات دیگر آیین دادرسی می‌باشد قرار اناطه صادره به طرفین ابلاغ می‌شود، ذی‌نفع مکلف است ظرف یک ماه موضوع را در دادگاه صالح پی‌گیری و گواهی آن را به دادگاه رسیدگی‌کننده ارائه و یا دادخواست لازم را به همان دادگاه تقدیم نماید در غیر این صورت دادگاه به رسیدگی خود ادامه داده و تصمیم مقتضی خواهد گرفت.

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود اراده جدید قانون‌گذار در سال ۱۳۷۸ به شرح ماده ۱۳ تغییرات اساسی نسبت به مفهوم و منطوق قرار اناطه به شرح

مدیر مسئول و سردبیر محترم ماهنامه وزین قضاوت
جناب آقای دکتر زندی
با سلام

احتراماً به استحضار می‌رساند در شماره ۴۹ ماهنامه قضاوت در صفحه ۴۷ مطلبی با عنوان قرار اناطه و جایگاه آن در نظام قضائی ایران به قلم جناب آقای ابوالفضل دنکوب به چاپ رسیده است که به نظر در برداشت و تفسیر ماده ۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری و رای شماره ۵۲۹ مورخ ۶۸/۸۲ هیات عمومی دیوان عالی کشور اشتباهاتی رخ داده است و این نوع تفسیر و برداشت برخلاف مقررات موجود می‌باشد. لذا خواهشمند است دستور فرمایید متن ذیل به عنوان اشکال و انتقاد به مقاله مذکور، در صورت امکان چاپ و به نویسنده محترم منتقل شود.

عقیده و اعتقاد همکار و نویسنده محترم در خصوص اینکه بر اساس رای شماره ۵۲۹ هیات عمومی دیوان عالی کشور و رویه قضائی حاکم، دامنه صدور قرار اناطه محدود به اموال غیرمنقول شده است به دلایل ذیل و علی‌الخصوص قانون موخر الصدور وارد نمی‌باشد.

قانون‌گذار در ماده ۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۲۹۰ (اصلاحی بهمن ۱۳۳۵) آورده بود «هرگاه ثبوت تقصیر متهم منوط است به مسائلی که محاکمه و ثبوت آن از خصایص محاکم حقوقی است مثل حق مالکیت و افلاس، امر جزایی تعقیب نمی‌شود و اگر تعقیب شده، معلق می‌ماند تا حکم قطعی از محکمه حقوقی صادر شود. چنانچه یکی از طرفین دعوا یا شخص ذینفع حداکثر ظرف سه ماه از تاریخ ابلاغ قرار، به دادگاه صلاحیت‌دار رجوع نکرده و تصدیق آن را تقدیم مرجع جزایی ننماید پرونده کیفری بایگانی می‌شود.» بنابراین قانون‌گذار مصادیق یا دامنه صدور قرار اناطه را در اصلاحیه سال ۱۳۳۵ منوط به تحقق شرایط خاص از جمله لزوم رسیدگی در محاکم حقوقی و رسیدگی به ادعای مالکیت و افلاس و غیره نموده بود و از آنجا که میان محاکم در استنباط از ادعای مالکیت یا به عبارتی دیگر اختلاف در شمول اموال منقول و غیرمنقول در صدور قرار اناطه تعارض آراء ایجاد شده بود، هیات عمومی دیوان عالی کشور به موجب رای وحدت رویه شماره ۵۲۹ به تاریخ ۶۸/۸۲ اعلام داشت که ماده ۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری که ثبوت تقصیر متهم را منوط به مسائلی قرار داده که محاکمه و ثبوت آن از خصایص محاکم حقوقی است ناظر به اختلاف در حق مالکیت نسبت به اموال غیرمنقول می‌باشد و در مورد اموال منقول صدق نمی‌کند بنابراین رای وحدت رویه در واقع در موضوع اختلافات حادثه در برداشت در اثر ماده ۱۷ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۲۹۰ بوده است نه قانون موخرالتصویب.

رای هیات عمومی دیوان عالی کشور برای محاکم

